

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه فاطمیه (س) بیاض

عنوان:

اثر عفت کلام از دیدگاه آیات و روایات

پژوهشگر:

سمیه بهشتی زاده

زمستان ۹۹

چکیده

دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای همه ابعاد وجودی انسان برنامه‌ای ارائه نموده است. از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است برای برقراری ارتباط در اجتماع از قدرت تکلم برخوردار است. که اسلام در زمینه تکلم بایدها و نبایدهای بسیاری را معین کرده است انسانی که خواهان تعبد به سبک زندگی دینی است باید کلام خود را از آلودگی پیراسته سازد. از جمله معزلاتی که امروزه مشاهده می‌گردد تبادل سخنانی خلاف ادب است که موجب انزجار دیگر افراد می‌باشد این قبیل ماورات علاوه بر اینکه بین جوانان ونوجوانان افزایش یافته است در میان کودکان نیز قابل مشاهده است. این مشکل به مکتوبات هم راه یافته است و در شبکه‌های اجتماعی مانند فضای مجازی نیز مکالمات ومطالبی ناپسند درج می‌شود که شایسته پیروان مکتبی نیست که کتاب آسمانی وکلام پیشوایان آن مملو از توصیه به کنترل گفتار از سخن ناشایست وعفت کلام است. این مقاله به روش کتابخانه‌ای وتوصیفی نگاشته شده است لذا پرداختن به موضوع عفت در کلام در زمان حاضر که فرهنگ مهاجم غرب همه را به دریدن پرده‌های حیا و عفت در حوزه‌های گوناگون می‌خواند که ضرورت دو چندان دارد بنابراین در جهت مبارزه با فرهنگ منهط غربی وجلوگیری از رواج بی‌عفتی در کلام مقاله‌ای بعنوان مصادیق عفت در کلام با استناد به آیات وروایات جمع آوری گردید.

کلید واژه‌ها: عفت، زن، عفیف، حجاب، کلام، قول لین، گفتار، زبان.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
مفهوم شناسی	۲
۱- عدم بالا بردن صدا	۲
۲- عدم استفاده از کلمات و گفتار ناپسند	۳
۳- عدم به زبان آوردن فحش و ناسزا	۴
۴- عدم به کار بردن القاب زشت	۵
۵- عدم گفتن کلام قبیح و هُجر	۵
۶- عفت در گفتار و برخورد با نامحرم	۶
۱-۶ پرهیز از هوس انگیزی در سخن	۶
۲-۶ پرهیز از شوخی با نامحرم	۷
۳-۶ از بین بردن شهوت	۷
۷- عدم غیبت کردن	۹
۸- عدم گفتن دروغ	۱۰
۹- عدم تمسخر و استهزاء دیگران	۱۱
نتیجه گیری	۱۲
فهرست منابع	۱۳

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و یکی از ویژگی‌های متمایز کننده انسان از سایر موجودات سخن گفتن است، که انسان برای برقراری ارتباط با دیگران از تکلم استفاده می‌کند. هر انسانی در هر جایگاهی ملزم به صحبت کردن است که ممکن است این گفتار، او را گرفتار خطا و لغزش‌هایی کند که زندگی دنیوی و اخروی او را تحت تاثیر قرار دهد. تعامل کلامی در شکل مختلفی از اهانت، تحقیر، دشنام، و یا به شکل احسن آن یعنی (عفت کلام) انجام می‌گیرد. کیفیت سخن گفتن و محتوای کلام نشانه عقل و شعور و ادب انسان است. بهترین کیفیت همان عفت کلام است که به دلیل اهمیت و جایگاهی که دارد در متون دینی از آن به عنوان یک ارزش یاد می‌شود. اما چرا ارزش محسوب می‌شود و همواره در شریعت انسان به این نوع امر می‌شود، به خاطر آثار و پیامدهایی که به دنبال دارد. از آنجا که قرآن و روایات از بهترین متون هدایت انسان هستند. این تحقیق به دنبال شناخت مصادیق عفت کلام از دیدگاه آیات و روایات است. ضرورت مسئله نیز از اینجا ناشی می‌شود که در جامعه امروز با وجود امکانات و رفاه مادی وسیع و بی‌توجهی به ارزش‌های اخلاقی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی و توجه به مادیات به چشم می‌خورد که همین‌ها زمینه ساز نابسامانی‌های اخلاقی در تکلم شده و اهانت‌ها و دشنام‌ها و در کلام افراد جاری می‌سازد. لذا انجام این تحقیق برای معرفی مزایای عفت در کلام ضرورت یافت تا شاید گامی در جهت بهبود این نابسامانی‌ها شود.

می‌کند عفت کلام را نیز زائل می‌کند یکی از مصادیق عفت کلام پرهیز از غیبت به هر شکل می‌باشد.

۸- عدم گفتن دروغ

یکی دیگر از مصادیق عفت کلام دروغ نگفتن است دروغ یعنی خبر دادن از امری خلاف واقع، این خبر می‌تواند با سخن گفتن یا با رفتاری خاص صورت می‌گیرد. قال امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرمایند: لا یجدُ عبدُ طعمَ الايمانِ حتی یترکَ الکذبَ تعزله وجدّه^۱؛ هیچ بنده‌ای طعم و مزه ایمان را نمی‌چشد مگر آنکه دروغ را ترک نماید چه به شوخی باشد و چه جدی.

با توجه به این حدیث گرانقدر فهمیده می‌شود که هر که دروغ بگوید ایمان ندارد پس هر کس که ایمان ندارد عفت کلام نیز ندارد. انسان عقیف هیچ‌گاه زبانش را به این خوی زشت عادت نمی‌دهد چون که دروغ از انسان شخصیتی کاذب و وارونه می‌سازد و اعتبار او را از بین می‌برد ولی چون دروغ کار آسانی است و مایع زیادی نمی‌خواهد متأسفانه بعضی از مردم به گمان آنان که زودتر به مقصد برسد و به آن متوسل می‌شوند بدین منظور آسمان و ریسمان را به هم می‌بافند و چه بسا در یک روز ده‌ها دروغ می‌گویند و نقطه اوج فاجعه آنجاست که اینگونه افراد نسبت به بازتاب‌های منفی و عواقب شوم آن در زندگی فردی و اجتماعی نمی‌اندیشند که یکی از آثار شوم آن از بین بردن عفت کلام در افراد است.^۲

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: جُعِلَتْ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مَفَاحُهَا الْكَذِبُ^۳؛ تنها پلیدی‌ها در خانه‌ای نهاده شده و کلید آن دروغ است.

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۲، مترجم علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷ق، باب کذب.

حدیث ۱۱، ص ۳۸۵.

۲. محمد رضا، مهدوی کنی، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۷.

۳. محمد باقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۶۹، ص ۲۳۶.

بنابراین، انسان مومن و عفیف از دروغ می‌پرهیزد و از طریق عفت کلام و حفظ زبان ریشه بسیاری از گناهان را در خود از بین می‌برد.

۹- عدم تمسخر و استهزاء دیگران

یکی دیگر از آفات کلام تمسخر است که با عفت کلام منافات دارد که گاهی انسان به منظور خنداندن حاضران از آبرو و حیثیت دیگران مایه می‌گذارد و با کارهایی از قبیل تقلید در راه رفتن، سخن گفتن، غذا خوردن، و خلاصه به هر طریقی از اشاره و کنایه و..... دیگران را به مسخره می‌گیرد که اینگونه رفتار در شان مومن عفیف نیست.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ ^۱؛ قومی، قوم دیگر را مسخره نکند شاید آنها بهتر از آنها باشند.

از آثار بد هرزه گویی و مسخره کردن دیگران غفلت و بی‌تفاوتی و از دست دادن عفت کلام است افرادی که به این بیماری دچار می‌شوند از ذکر خدا غافل شده و از عبادت پروردگار لذت نمی‌برند یعنی در عبادت حضور قلب ندارد که قرآن کریم یکی از موجبات غفلت و فراموشی از یاد خدا، استهزاء و تحقیر مومنان می‌داند. ^۲ پس اگر انسانی عفت کلام داشته باشد هرگز مرتکب این گناه نمی‌شود و دیگران را تحقیر نمی‌کند و در نتیجه عذابی سخت و درد ناک را برای خود آماده نمی‌کند.

۱.سوره حجرات(۴۹)، آیه ۱۱.

۲.محمدرضا، مهدوی کنی، همان کتاب، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.

نتیجه گیری

از آن جا که انسان موجودی اجتماعی است، و سخن گفتن انسان یکی از مهم ترین ویژگی های متمایزکننده او از سایر موجودات است، پس باید در سخن گفتن و تکلم و ارتباط با دیگران موارد عفت کلام را حفظ کند و مراقب سخن گفتن خود با دیگران باشد. دین اسلام از طریق آیات و روایات زیادی انسان ها را به درست سخن گفتن و ارتباط با دیگران و داشتن عفت کلام، آشنا کرده است. هر فرد برای اینکه بتواند صمیمیت و ادامه ارتباط خود با دیگران را حفظ کند باید در هنگام برخورد و ارتباط و سخن گفتن عفت کلام خود را حفظ کند.

بنابر آنچه گفته شد و تاکید دین اسلام به داشتن عفت کلام، در این تحقیق مهم ترین مصادیق عفت کلام از جمله؛ عدم بالا بردن صدا، عدم استفاده از کلمات و گفتار ناپسند، عدم به زبان آوردن فحش و ناسزا، عدم به کار بردن القاب زشت، عدم گفتن کلام قبیح و هجر، عفت در گفتار و برخورد با نامحرم، عدم غیبت، عدم گفتن دروغ و عدم تمسخر و استهزاء دیگران، مورد بررسی قرار گرفته شد تا همه بتوانند با آنچه در آیات و روایات در مورد عفت کلام آمده آشنا شوند و ارتباط اجتماعی خود و دیگران را با توجه به داشتن عفت کلام حفظ کنند. بسیاری از آیات و روایات به انسان می آموزد که چگونه سخن بگوید و مراقب زبان خود باشد و از دروغ، تمسخر، غیبت و شوخی با نامحرمان و... بپرهیزد تا بتواند به کمالاتی برسد که از هیچ طریق دیگری کسب شدنی نیستند. بنابراین یکی از بزرگترین عوامل حفظ فرد در اجتماع داشتن عفت کلام در برخورد با افراد جامعه است. اگر افراد جامعه عفت کلام داشته باشند جامعه از فساد و گناه به دور می شود و آرامش و امنیت بر آن جامعه سایه می افکند. به امید روزی که عفت کلام در جامعه ما مورد توجه همگان قرار گیرد و بسیاری از مشکلات عاطفی و خانوادگی از بین برود و جامعه ای عفیف و متدین داشته باشیم.

فهرست منابع

*قرآن.

*نهج البلاغه.

*صحیفه سجادیه.

۱. ایمانی قمی، عباس، زبده الاحادیث، بی جا، انتشارات علامه، ۱۳۸۳.
۲. رنجبر، زهره سادات، پایان نامه جایگاه عفاف در سبک زندگی، ۱۳۹۳.
۳. شعرانی، میرزا ابوالحسن، عقاب اعمال، قم، چاپ دوم، انتشارات آل محمد (ص)، ۱۳۸۴.
۴. علی محمدی، ایرج، عفت کلام در قرآن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۲.
۵. مهدوی کنی، محمدرضا، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، مترجم علی اکبر غفاری، قم، چاپ دوم، انتشارات اسلامی وابسته به جامع مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۷. ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام مشهد، بی جا، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
۸. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم ودرر الکلم، مترجم سید مهدی رجایی، قم، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
۹. راغب اصفهانی، حسین، المفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. -----، المفردات فی غریب القرآن، بیروت دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۱۱. شعب حرانی، حسین بن علی، تحف العقول، مترجم علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، جامع مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۱۶، قم، منشورات جامع مدرسین، بی تا.

۱۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۱، بی جا، چاپ دوم، مکتب الثقافه الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.
۱۴. قمی، عباس، نفس الهموم، تهران، چاپ اول، السلامیه، ۱۳۶۸.
۱۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مترجم علی اکبر غفاری، ج ۲، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مترجم جمعی از محققان، ج ۲ و ۶۹، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۵، بی جا، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
۱۸. نراقی، علامه محمد مهدی، جامعه السعاده، ج ۲، قم، چاپ پنجم، قائم آل علی (ع)، ۱۳۹۴.
۱۹. یابنده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۱، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۱۳۸۱.